

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی زنان و مردان

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی در زنان و مردان شهر تهران بود. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را زنان و مردان ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران تشکیل دادند که از میان آنان ۳۹۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه صفات چهارگانه تاریک شخصیت، فرم کوتاه ۱۸ گویه‌ای مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف و پرسشنامه ۴۰ گویه‌ای هیجان‌خواهی زاکرمن گردآوری شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. برای تحلیل استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد و پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون پیش از اجرای مدل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل واریانس رگرسیون نشان داد مدل پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی معنادار است، $F(۵, ۳۹۱) = ۱۵۵.۷۰$ ، $p < ۰.۰۰۱$ ، مجموعه متغیرهای پیش‌بین ۶۶ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی را تبیین کردند. ماکیاولیسم ($\beta = -۰.۱۳۴$ ، $p < ۰.۰۰۱$)، جامعه‌ستیزی ($\beta = -۰.۳۱۳$ ، $p < ۰.۰۰۱$)، خودشیفتگی ($\beta = -۰.۲۲۳$ ، $p < ۰.۰۰۱$)، دیگرآزاری ($\beta = -۰.۲۳۲$ ، $p < ۰.۰۰۱$) و هیجان‌خواهی ($\beta = -۰.۲۷۲$ ، $p < ۰.۰۰۱$) همگی پیش‌بینی‌کننده‌های منفی و معنادار بهزیستی روان‌شناختی بودند. در میان متغیرها، جامعه‌ستیزی و هیجان‌خواهی به ترتیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی کاهش بهزیستی روان‌شناختی داشتند. نتایج نشان داد افزایش صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی با کاهش بهزیستی روان‌شناختی همراه است و این متغیرها می‌توانند سهم قابل توجهی از تفاوت‌های فردی در بهزیستی را تبیین کنند؛ بنابراین، توجه به ویژگی‌های شخصیت تاریک، تکانشگری و نیاز به تحریک می‌تواند در شناسایی افراد در معرض بهزیستی پایین‌تر و طراحی مداخلات ارتقای سلامت روان سودمند باشد.

کلیدواژگان: بهزیستی روان‌شناختی، صفات تاریک شخصیت، ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی، دیگرآزاری، هیجان‌خواهی.

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری

فواد فرشچی^۱، منصوره فضیلتی^{*}

۱. گروه روانشناسی عمومی و استثنایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول:

fazilati.phd@iau.ir

شیوه استناددهی: فرشچی، فواد، و فضیلتی، منصوره. (۱۴۰۴). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی زنان و مردان. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*، ۳(۳)، ۱۹-۱.

Predicting Psychological Well-Being Based on Dark Personality Traits and Sensation Seeking in Women and Men

Submit Date:
2025-09-06

Revise Date:
2025-11-09

Accept Date:
2025-11-14

Initial Publish Date:
2025-11-17

Final Publish Date:
2025-11-22

Abstract

The present study aimed to predict psychological well-being based on dark personality traits and sensation seeking among women and men in Tehran. This study was fundamental in purpose and descriptive-correlational in design. The statistical population consisted of women and men aged 18 years and older residing in Tehran, from whom 397 participants were recruited using convenience sampling. Data were collected using the Dark Tetrad Personality Traits Questionnaire, the 18-item short form of Ryff's Psychological Well-Being Scale, and the 40-item Zuckerman Sensation Seeking Scale. Statistical analyses were conducted using SPSS version 26. Pearson correlation and multiple regression analyses were used for inferential analysis, and the assumptions required for regression analysis were examined before estimating the model. The regression analysis of variance indicated that the overall model predicting psychological well-being from dark personality traits and sensation seeking was statistically significant, $F(5,391)=155.70$, $p<0.001$. The predictor variables collectively explained 66.6% of the variance in psychological well-being. Machiavellianism ($\beta=-0.134$, $p<0.001$), sociopathy ($\beta=-0.313$, $p<0.001$), narcissism ($\beta=-0.223$, $p<0.001$), sadism ($\beta=-0.232$, $p<0.001$), and sensation seeking ($\beta=-0.272$, $p<0.001$) were all significant negative predictors of psychological well-being. Among the predictors, sociopathy and sensation seeking showed the strongest negative predictive contributions. The findings indicated that higher levels of dark personality traits and sensation seeking are associated with lower psychological well-being and that these variables explain a substantial proportion of individual differences in well-being. Accordingly, assessing maladaptive personality characteristics, impulsive tendencies, and excessive need for stimulation may be useful in identifying individuals at greater risk of reduced psychological well-being and in developing targeted mental health interventions.

Keywords: *Psychological well-being, dark personality traits, Machiavellianism, sociopathy, narcissism, sadism, sensation seeking.*

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



Foad Farshchi¹, Mansooreh Fazilati^{1*}

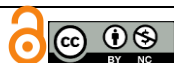
1. Department of General and Exceptional Psychology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding
fazilati.phd@iau.ir

Author's

Email:

How to cite: Farshchi, F., & Fazilati, F. (2025). Predicting Psychological Well-Being Based on Dark Personality Traits and Sensation Seeking in Women and Men. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 3(3), 1-19.



مقدمه

بهزیستی روان‌شناختی یکی از مفاهیم محوری در روان‌شناسی مثبت‌نگر و مطالعات مربوط به سلامت روان است و به کیفیت کارکرد روانی فرد، احساس معنا و هدفمندی، رشد شخصی، برخورداری از روابط رضایت‌بخش و توانایی مدیریت مؤثر زندگی اشاره دارد. برخلاف رویکردهایی که سلامت روان را صرفاً در قالب فقدان نشانه‌های اختلال یا کاهش هیجان‌های منفی تعریف می‌کنند، مفهوم بهزیستی روان‌شناختی بر جنبه‌های مثبت عملکرد انسان، ظرفیت‌های سازگاران و تحقق استعدادهای فردی تأکید دارد. در این چارچوب، فرد برخوردار از بهزیستی روان‌شناختی بالا نه تنها از پریشانی کمتری برخوردار است، بلکه نسبت به خود نگرش پذیرنده‌تری دارد، روابط معنادار و سازنده‌تری با دیگران برقرار می‌کند، در تصمیم‌گیری از استقلال بیشتری برخوردار است، محیط زندگی خود را بهتر مدیریت می‌کند، برای زندگی اهداف مشخص و معناداری دارد و مسیر رشد و تحول فردی را تجربه می‌کند. الگوی چندبعدی ریف، یکی از تأثیرگذارترین چارچوب‌های نظری در تبیین این مفهوم است و بهزیستی روان‌شناختی را بر اساس شش بعد پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی مفهوم‌سازی می‌کند (Ryff, 2013). این دیدگاه، بهزیستی را یک ساختار چندوجهی می‌داند که از تعامل ارزیابی‌های فرد از خود، کیفیت روابط، توانایی هدایت زندگی و ادراک فرد از رشد و معنا شکل می‌گیرد.

مطالعات روان‌سنجی و نظری مختلف نیز از ماهیت چندبعدی بهزیستی روان‌شناختی حمایت کرده‌اند. بررسی ساختار عاملی مقیاس‌های بهزیستی ریف نشان داده است که هرچند ابعاد مختلف این سازه با یکدیگر همبسته‌اند، هر یک جنبه متمایزی از عملکرد مثبت روان‌شناختی را بازنمایی می‌کنند و درک جامع بهزیستی مستلزم توجه همزمان به این مؤلفه‌هاست (Henn et al., 2016). در همین راستا، پژوهش‌هایی که ساختار سلامت روان و بهزیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند نیز نشان داده‌اند که بهزیستی را نمی‌توان به یک احساس کلی مثبت یا رضایت ساده از زندگی فروکاست، بلکه این سازه دارای مؤلفه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای است که در کنار یکدیگر تصویری جامع از سلامت روان مثبت ارائه می‌کنند (Hides et al., 2016). افزون بر این، متغیرهایی مانند خودکارآمدی، احساس کنترل بر شرایط و ادراک فرد از توانایی مقابله با چالش‌های زندگی می‌توانند با سطوح بالاتر بهزیستی همراه باشند و از این طریق زمینه را برای سازگاری روان‌شناختی بهتر فراهم سازند (Telef & Ergün, 2013). بنابراین، مطالعه عوامل شخصیتی و رفتاری مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی می‌تواند در تبیین تفاوت‌های فردی در سلامت روان نقش مهمی داشته باشد.

یکی از حوزه‌های مورد توجه در سال‌های اخیر، بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی روان‌شناختی است. نظریه‌های شخصیت بر این فرض استوارند که الگوهای نسبتاً پایدار شناخت، هیجان و رفتار می‌توانند نحوه تعامل فرد با محیط، شیوه تنظیم هیجان، کیفیت روابط بین‌فردی و چگونگی تجربه رضایت یا نارضایتی از زندگی را شکل دهند (Schultz & Schultz, 2021). در این میان، صفات تاریک شخصیت به دلیل ارتباط با رفتارهای بین‌فردی ناسازگارانه، خودمحوری، فریبکاری، فقدان همدلی، تکانشگری و گرایش به بهره‌برداری از دیگران، جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های شخصیت یافته‌اند. مفهوم صفات تاریک ابتدا با الگوی «سه‌گانه تاریک» شامل ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی مطرح شد و در ادامه، با افزودن سادیسم روزمره، به الگوی «چهارگانه تاریک» گسترش یافت. مطالعات روان‌سنجی نشان داده‌اند که چهار مؤلفه ماکیاولیسم، خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و سادیسم را می‌توان به‌عنوان ابعاد مرتبط اما متمایز شخصیت تاریک در نظر گرفت (Yousefi & Imanzad, 2018).

ماکیاولیسم معمولاً با نگرش بدبینانه نسبت به دیگران، گرایش به کنترل و دستکاری روابط، محاسبه‌گری و استفاده ابزاری از تعاملات اجتماعی مشخص می‌شود. خودشیفتگی با خودبزرگ‌بینی، احساس استحقاق، نیاز به تحسین و تمرکز زیاد بر جایگاه شخصی ارتباط دارد. جامعه‌ستیزی یا سایکوپاتی در سطح صفات شخصیتی، با تکانشگری، بی‌تفاوتی عاطفی، هیجان‌پذیری محدود، کاهش همدلی و بی‌اعتنایی نسبی به پیامدهای رفتار برای دیگران همراه است. سادیسم نیز به گرایش برای کسب لذت، برتری یا رضایت از ناراحتی، تحقیر یا آسیب دیگران اشاره دارد. اگرچه این صفات از نظر مفهومی با یکدیگر همپوشانی دارند، هر کدام از طریق سازوکارهای متفاوتی می‌توانند کیفیت روابط و سازگاری روان‌شناختی

را تحت تأثیر قرار دهند. برای نمونه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صفات سه‌گانه تاریک می‌توانند با پیامدهایی مانند کاهش خودکارآمدی تحصیلی و الگوهای نامطلوب‌تر عملکرد فردی مرتبط باشند (Saadat et al., 2017). همچنین، ویژگی‌های مرتبط با صفات تاریک در حوزه‌های اجتماعی و بین‌فردی، از جمله رفتارهای رقابتی، راهبردهای جفت‌یابی و اشکال خاص تعامل و انتقال اطلاعات اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Kebulusek, 2018).

از منظر بهزیستی، انتظار می‌رود بسیاری از مؤلفه‌های شخصیت تاریک با کاهش کیفیت تجربه روان‌شناختی همراه باشند. فردی که روابط خود را عمدتاً بر پایه کنترل، سوءظن، بهره‌برداری یا بی‌اعتمادی سازمان می‌دهد، ممکن است در ایجاد روابط مثبت و باثبات با دیگران با دشواری مواجه شود. همچنین، تکانشگری، بی‌اعتنایی به پیامدهای بلندمدت و جست‌وجوی منفعت فوری می‌تواند با کاهش احساس کنترل بر زندگی و اختلال در دستیابی به اهداف معنادار مرتبط باشد. شواهد تجربی نیز این فرض را تقویت کرده‌اند. در پژوهشی درباره ارتباط صفات سه‌گانه تاریک با شادی و بهزیستی ذهنی، مشخص شد که این صفات، به‌ویژه در برخی ابعاد، با سطوح پایین‌تر شادی و شاخص‌های نامطلوب‌تر بهزیستی همراه هستند (Egan et al., 2014). مطالعه دیگری نیز نشان داد که صفات تاریک شخصیت می‌توانند به‌صورت منفی با بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری مرتبط باشند و افراد دارای سطوح بالاتر این ویژگی‌ها ممکن است منابع روان‌شناختی کمتری برای سازگاری مثبت در اختیار داشته باشند (Belwal & Khanam, 2023).

البته رابطه صفات تاریک با بهزیستی کاملاً ساده و یک‌سویه نیست. برخی ابعاد، به‌ویژه خودشیفتگی، ممکن است بسته به مؤلفه‌های خاص، زمینه فرهنگی، نوع سنجش و شکل آسیب‌پذیر یا بزرگ‌منشانه آن، روابط متفاوتی با شاخص‌های بهزیستی نشان دهند. یافته‌های فراتحلیلی جدید نشان می‌دهند که ارتباط صفات تاریک با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی از نظر شدت و جهت بین ابعاد مختلف متفاوت است و نمی‌توان تمامی مؤلفه‌های تاریک شخصیت را از حیث پیامدهای بهزیستی یکسان تلقی کرد (Blasco-Belled et al., 2024). علاوه بر این، نحوه درک افراد از خوشبختی می‌تواند در رابطه میان شخصیت تاریک و بهزیستی نقش میانجی داشته باشد؛ به این معنا که باور فرد درباره ماهیت شادی، موفقیت، رقابت و لذت ممکن است تعیین کند که ویژگی‌های شخصیتی تاریک تا چه حد به کاهش یا تغییر تجربه بهزیستی منجر شوند (Joshi, 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای فهم دقیق‌تر نقش صفات تاریک در بهزیستی، توجه به هر یک از مؤلفه‌ها به‌طور جداگانه و نیز در قالب یک مدل چندمتغیره ضروری است.

مطالعات انجام‌شده در بافت ایرانی نیز رابطه میان صفات تاریک شخصیت و شاخص‌های سلامت روان مثبت را مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه، در پژوهشی بر پرستاران مشخص شد که مؤلفه‌های سه‌گانه تاریک می‌توانند در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های شوخ‌طبعی نقش داشته باشند (Aghli et al., 2018). چنین نتایجی اهمیت زمینه شغلی و اجتماعی را در بررسی آثار شخصیت تاریک برجسته می‌کند، زیرا ویژگی‌های شخصیتی ممکن است بسته به الزامات محیط، شدت تعاملات بین‌فردی و منابع مقابله‌ای افراد پیامدهای متفاوتی ایجاد کنند. از سوی دیگر، بررسی اعتبار الگوی چهارگانه تاریک در جمعیت ایرانی نیز شواهدی درباره امکان اندازه‌گیری چهار بعد اصلی آن ارائه کرده و زمینه را برای استفاده از این سازه در مطالعات مرتبط با سلامت روان و رفتارهای اجتماعی فراهم ساخته است (Yousefi & Imanzad, 2018). بنابراین، بررسی همزمان چهار مؤلفه تاریک به جای محدود شدن به سه‌گانه تاریک می‌تواند تصویری کامل‌تر از ارتباط این ویژگی‌ها با بهزیستی روان‌شناختی ارائه دهد.

در کنار صفات تاریک شخصیت، هیجان‌خواهی نیز یکی از ویژگی‌های مهم فردی است که می‌تواند با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط داشته باشد. هیجان‌خواهی به تمایل فرد برای تجربه محرک‌های تازه، متنوع، پیچیده و شدید و آمادگی برای پذیرش درجاتی از خطر به‌منظور دستیابی به این تجربه‌ها اشاره دارد. این ویژگی معمولاً از ابعادی مانند ماجراجویی و هیجان‌طلبی، تجربه‌طلبی، بازدارندگی و حساسیت به یکنواختی تشکیل می‌شود. افراد دارای هیجان‌خواهی بالا معمولاً تحریک‌پذیری بیشتری نسبت به محیط دارند، سریع‌تر از موقعیت‌های یکنواخت خسته می‌شوند و بیشتر به دنبال تجربه‌های نو، فعالیت‌های پرتحرک، تعاملات اجتماعی مهیج یا رفتارهایی با درجه‌ای از خطر هستند. این صفت در

حد متعادل می‌تواند با کنجکاوی، انعطاف‌پذیری، اکتشاف و کسب تجربه‌های جدید همراه باشد، اما در سطوح بالا ممکن است فرد را در معرض تکانشگری، رفتارهای پرخطر، تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و دشواری در حفظ ثبات رفتاری قرار دهد.

رابطه هیجان‌خواهی با بهزیستی روان‌شناختی نیز می‌تواند بسته به نحوه ارضای نیاز به تحریک، نوع رفتارهای انتخاب‌شده و منابع روان‌شناختی فرد متفاوت باشد. برخی افراد ممکن است هیجان‌خواهی خود را از طریق فعالیت‌های سازنده، ورزش، سفر، یادگیری یا تجارب تازه اجتماعی ارضا کنند و در نتیجه، احساس سرزندگی و رشد بیشتری داشته باشند؛ در مقابل، در برخی افراد این ویژگی می‌تواند با رفتارهای ناسازگارانه، خطرپذیری افراطی یا بی‌ثباتی در روابط و اهداف همراه شود. پژوهش انجام‌شده درباره دانش‌آموزان دختر نشان داده است که هیجان‌خواهی روان‌شناختی در کنار متغیرهایی مانند سرسختی روان‌شناختی و خودادراکی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارد (Keshvari, 2020). همچنین، در پژوهشی بر دانشجویان، هیجان‌خواهی و بهزیستی روان‌شناختی هر دو در ارتباط با گرایش به رفتارهای پرخطر بررسی شده‌اند و نتایج بر اهمیت مطالعه همزمان ویژگی‌های انگیزشی و شاخص‌های سلامت روان در تبیین الگوهای رفتاری تأکید داشته‌اند (Jarjandi et al., 2018). این یافته‌ها نشان می‌دهد که هیجان‌خواهی را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان یک ویژگی رفتاری، بلکه به‌عنوان متغیری مرتبط با سازمان‌یافتگی روان‌شناختی فرد در نظر گرفت.

اهمیت بررسی همزمان صفات تاریک و هیجان‌خواهی زمانی بیشتر می‌شود که به همپوشانی برخی سازوکارهای آنها توجه شود. برای مثال، تکانشگری، نیاز به تحریک، جست‌وجوی پاداش فوری، کاهش حساسیت به پیامدهای منفی و تمایل به عبور از محدودیت‌های اجتماعی ممکن است هم در برخی ابعاد شخصیت تاریک و هم در هیجان‌خواهی دیده شوند. در نتیجه، زمانی که این متغیرها در یک مدل پیش‌بینی همزمان وارد می‌شوند، می‌توان مشخص کرد که هر کدام تا چه میزان سهم مستقل در تبیین بهزیستی روان‌شناختی دارند. پژوهشی که به‌طور مستقیم ابعاد چهارگانه تاریک و هیجان‌خواهی را در ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی بررسی کرده است، نشان داده که هر دو دسته متغیر می‌توانند در تبیین تفاوت‌های افراد از نظر بهزیستی نقش داشته باشند (Ebrahimi, 2023). با این حال، بیشتر مطالعات پیشین بر جمعیت‌های خاص، مانند ورزشکاران، پرستاران، دانشجویان یا نوجوانان متمرکز بوده‌اند و تعمیم یافته‌ها به جمعیت عمومی بزرگسالان نیازمند بررسی بیشتر است. در تبیین بهزیستی روان‌شناختی لازم است به نقش منابع شناختی و اجتماعی نیز توجه شود. بهزیستی صرفاً محصول ویژگی‌های درون‌فردی نیست، بلکه مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های شناختی و شیوه تنظیم توجه نیز می‌توانند تجربه فرد از زندگی را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ذهن‌آگاهی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های شناختی می‌توانند در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نقش داشته باشند (Cheshmeh Kaboudi, 2023). این یافته اهمیت نحوه تعامل صفات شخصیتی با منابع سازگارانه فرد را برجسته می‌کند. ممکن است افرادی با سطوح بالاتر برخی صفات آسیب‌زا، در صورت برخورداری از مهارت‌های شناختی و ارتباطی مناسب، پیامدهای منفی کمتری تجربه کنند؛ در مقابل، فقدان این منابع می‌تواند اثر ویژگی‌های ناسازگارانه را تشدید کند. از این رو، تبیین بهزیستی نیازمند بررسی چندسطحی متغیرهای شخصیتی، شناختی، اجتماعی و انگیزشی است.

یکی دیگر از موضوعات مهم در مطالعه بهزیستی، تفاوت‌های احتمالی زنان و مردان در تجربه و پیش‌بینی این سازه است. بهزیستی روان‌شناختی ممکن است در مراحل مختلف زندگی و در گروه‌های اجتماعی گوناگون تحت تأثیر الگوهای متفاوتی از استقلال، نقش‌های اجتماعی، روابط بین‌فردی و مسئولیت‌های فردی قرار گیرد. شواهد نشان می‌دهد که خودمختاری و بهزیستی روان‌شناختی در جوانان با سن و شرایط رشدی ارتباط دارند و اهمیت برخی مؤلفه‌های بهزیستی ممکن است در دوره‌های مختلف زندگی متفاوت باشد (De-Juanas et al., 2020). از سوی دیگر، تفاوت‌های جنسیتی در اجتماعی‌شدن هیجانی، رفتارهای خطرپذیر، شیوه ابراز خود و انتظارات فرهنگی می‌تواند سبب شود که صفات تاریک و هیجان‌خواهی در زنان و مردان آثار یکسانی بر بهزیستی نداشته باشند. با وجود این، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین یا تنها بر یکی از دو جنس متمرکز بوده‌اند یا جنسیت را صرفاً به‌عنوان متغیر جمعیت‌شناختی کنترل کرده‌اند و کمتر به بررسی الگوی پیش‌بینی در نمونه‌ای متشکل از هر دو گروه پرداخته‌اند.

همچنین، درک بهزیستی در زنان و مردان ممکن است تحت تأثیر تفاوت در کیفیت و جهت روابط اجتماعی، احساس استقلال و میزان دسترسی به حمایت‌های بین‌فردی قرار گیرد. برخی ابعاد بهزیستی، مانند روابط مثبت با دیگران، به‌شدت با تجربه‌های اجتماعی روزمره پیوند دارند، در حالی که مؤلفه‌هایی نظیر استقلال و تسلط بر محیط بیشتر با احساس کنترل، تصمیم‌گیری و خودراهبری مرتبط‌اند. بنابراین، ویژگی‌هایی مانند ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی یا سادیسم که مستقیماً بر تعاملات بین‌فردی اثر می‌گذارند، ممکن است به‌ویژه از طریق کاهش کیفیت روابط و افزایش تعارض، بهزیستی را تضعیف کنند. در مقابل، هیجان‌خواهی ممکن است از طریق سبک زندگی، نوع فعالیت‌ها و تصمیم‌های پرخطر بر احساس ثبات، هدفمندی و تسلط بر محیط تأثیر بگذارد. از این منظر، مطالعه همزمان چندین بعد شخصیت تاریک و هیجان‌خواهی می‌تواند سازوکارهای متفاوت مرتبط با افت یا تغییر بهزیستی روان‌شناختی را روشن‌تر سازد.

در مجموع، ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که بهزیستی روان‌شناختی سازه‌ای چندبعدی و متأثر از مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی، شناختی، اجتماعی و انگیزشی است. شواهد موجود از ارتباط منفی بسیاری از صفات تاریک با بهزیستی حمایت می‌کنند، اما شدت این ارتباط در میان مؤلفه‌ها یکسان نیست و متغیرهایی مانند برداشت فرد از خوشبختی، منابع روان‌شناختی و زمینه اجتماعی می‌توانند آن را تعدیل یا تبیین کنند. در کنار آن، هیجان‌خواهی نیز می‌تواند بسته به سطح و نحوه بروز آن با پیامدهای مثبت یا منفی همراه باشد. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه صفات سه‌گانه و چهارگانه تاریک، هیجان‌خواهی و بهزیستی، هنوز نیاز به بررسی همزمان این متغیرها در یک مدل جامع و در نمونه‌ای از زنان و مردان بزرگسال وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از مطالعات پیشین بر گروه‌های خاص متمرکز بوده‌اند و کمتر به سهم مستقل هر یک از مؤلفه‌های تاریک و هیجان‌خواهی در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی در جمعیت عمومی پرداخته‌اند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی در زنان و مردان بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی و پیش‌بین بود. در این طرح، بدون هیچ‌گونه دستکاری آزمایشی متغیرها، روابط میان صفات تاریک شخصیت، هیجان‌خواهی و بهزیستی روان‌شناختی بررسی شد و سپس سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین تغییرات بهزیستی روان‌شناختی مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین، با توجه به حضور زنان و مردان در نمونه، امکان بررسی الگوی روابط و قدرت پیش‌بینی متغیرهای پژوهش در دو گروه جنسیتی فراهم شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران تشکیل دادند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. برای تعیین حداقل حجم نمونه موردنیاز برای تحلیل رگرسیون چندگانه از قاعده پیشنهادی تاباچنیک و فیدل استفاده شد که حجم نمونه متناسب با تعداد متغیرهای پیش‌بین تعیین می‌شود. با در نظر گرفتن هشت مؤلفه پیش‌بین شامل چهار مؤلفه صفات تاریک شخصیت، یعنی ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و سادیسم/دیگرازاری، و چهار مؤلفه هیجان‌خواهی، یعنی هیجان‌خواهی و ماجراجویی، تجربه‌جویی، بازدارندگی و حساسیت نسبت به یکنواختی، حداقل حجم نمونه ۱۱۴ نفر محاسبه می‌شد؛ با این حال، به‌منظور افزایش توان آماری، کاهش اثر احتمالی داده‌های ناقص و افزایش قابلیت اتکای تحلیل‌ها، هدف اولیه پژوهش دستیابی به حدود ۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد و در مجموع ۴۰۰ شرکت‌کننده تعیین شد. در نهایت، پس از بررسی پاسخ‌های دریافت‌شده و کنار گذاشتن موارد غیرقابل استفاده، داده‌های ۳۹۷ شرکت‌کننده واجد شرایط برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

فرایند آماده‌سازی و گردآوری داده‌ها عمدتاً به‌صورت برخط و با استفاده از سامانه پرس‌لاین انجام شد. پرسشنامه‌های پژوهش در قالب یک پرسشنامه یکپارچه طراحی شدند و شرکت‌کنندگان پس از مطالعه توضیحات اولیه و آگاهی از ماهیت پژوهش، به مجموعه ابزارها پاسخ دادند. آماده‌سازی و انتشار پرسشنامه از اواخر زمستان ۲۰۲۴ آغاز شد و پاسخ‌ها از ۹ آوریل ۲۰۲۴ تا ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴ دریافت شدند. در مجموع، لینک پرسشنامه ۹۲۶ بار مشاهده شد و علاوه بر پاسخ‌های برخط، ۱۶ پرسشنامه نیز به‌صورت دستی تکمیل شد. پس از بررسی کیفیت و کامل‌بودن داده‌ها، ۳۹۷ پاسخ قابل تحلیل به دست آمد. میانگین زمان ثبت‌شده برای تکمیل پرسشنامه ۵۲ دقیقه و ۳۳ ثانیه بود. ملاک‌های

ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل ۱۸ سال سن، سکونت در شهر تهران، انتخاب یکی از دو گزینه زن یا مرد به عنوان جنسیت در پرسشنامه، رضایت برای شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌های اصلی بود. عدم تمایل به ادامه همکاری، ناقص گذاشتن پرسشنامه یا فراهم نبودن ملاک‌های ورود، به عنوان ملاک خروج از تحلیل در نظر گرفته شد. برای اطمینان بیشتر از تعلق پاسخ‌دهندگان به جامعه مورد مطالعه، محدودیت جغرافیایی مرتبط با تهران در امکانات سامانه پرس‌لاین نیز مورد استفاده قرار گرفت. اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و در افراد متأهل، مدت سپری‌شده از ازدواج گردآوری شد. پاسخ‌دهی به پرسشنامه به صورت ناشناس انجام گرفت و ثبت نشانی پست الکترونیکی کاملاً اختیاری بود. برای افرادی که نشانی پست الکترونیکی خود را در اختیار پژوهشگر قرار دادند، پس از تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مختصری درباره مفاهیم روان‌شناختی مورد سنجش، شامل بهزیستی روان‌شناختی، صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی، ارسال شد. در مجموع، برای ۲۸۱ شرکت‌کننده‌ای که نشانی پست الکترونیکی خود را ثبت کرده بودند، پاسخ مربوط به پرسشنامه همراه با توضیحات تکمیلی ارسال شد. در تمام مراحل پژوهش، اصل محرمانگی اطلاعات، ناشناس ماندن پاسخ‌ها، داوطلبانه بودن مشارکت و امکان انصراف از ادامه پاسخ‌دهی رعایت شد.

پرسشنامه صفات چهارگانه تاریک شخصیت. برای سنجش صفات تاریک شخصیت از پرسشنامه صفات چهارگانه تاریک شخصیت یوسفی و ایمان‌زاد (۲۰۱۸) استفاده شد. این ابزار با هدف ارزیابی چهار مؤلفه ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و سادیسم/دیگرآزاری تدوین و اعتباریابی شده و از ۲۱ گویه تشکیل شده است. گویه‌ها بر اساس یک طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شوند و نمرات بالاتر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده شدت بیشتر صفت تاریک مربوطه است. ماکیاولیسم بیانگر گرایش به دستکاری بین‌فردی، محاسبه‌گری و نگرش ابزاری نسبت به روابط است؛ خودشیفتگی با احساس خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و تمرکز افراطی بر خود مشخص می‌شود؛ جامعه‌ستیزی با تکانشگری، بی‌اعتنایی به هنجارها و کاهش همدلی ارتباط دارد؛ و سادیسم/دیگرآزاری نشان‌دهنده گرایش به کسب لذت یا رضایت از آسیب، تحقیر یا ناراحتی دیگران است. بررسی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه، ساختار چهارعاملی آن را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی تأیید کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰٫۸۵ و ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله یک هفته ۰٫۸۴ گزارش شده است. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰٫۶۸ تا ۰٫۸۸ قرار داشته‌اند که بیانگر همسانی درونی قابل قبول تا مطلوب مؤلفه‌های ابزار است.

پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف. برای سنجش متغیر ملاک، یعنی بهزیستی روان‌شناختی، از فرم کوتاه ۱۸ گویه‌ای مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف استفاده شد. این ابزار نسخه مختصر مقیاس اصلی بهزیستی روان‌شناختی ریف است و شش مؤلفه پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی را ارزیابی می‌کند که هر یک از این ابعاد با سه گویه سنجیده می‌شوند. پاسخ‌ها بر اساس یک طیف لیکرت شش‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» ثبت می‌شوند و برخی از گویه‌ها دارای جهت نمره‌گذاری معکوس هستند. پس از اصلاح نمرات گویه‌های معکوس، مجموع نمرات می‌تواند به عنوان شاخص کلی بهزیستی روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد و نمره بالاتر بیانگر سطح بالاتر عملکرد روان‌شناختی مثبت و بهزیستی است. ساختار نظری این مقیاس، بهزیستی روان‌شناختی را نه صرفاً به عنوان فقدان نشانه‌های روان‌شناختی منفی، بلکه در قالب کارکرد مثبت فرد در حوزه‌هایی نظیر پذیرش خویش، برخورداری از روابط سازنده، استقلال در تصمیم‌گیری، توانایی مدیریت محیط، برخورداری از اهداف معنادار و احساس رشد و تحول شخصی مفهوم‌سازی می‌کند. در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی، شواهد مناسبی در حمایت از روایی سازه و پایایی این ابزار گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های آن در مطالعات مختلف عموماً بین ۰٫۵۱ تا ۰٫۹۲ و ضریب مربوط به نمره کلی تقریباً بین ۰٫۷۱ تا ۰٫۸۲ گزارش شده است. همچنین، ضرایب بازآزمایی در فواصل زمانی کوتاه در دامنه ۰٫۸۱ تا ۰٫۸۹ قرار داشته‌اند که نشان‌دهنده ثبات زمانی قابل قبول مقیاس است.

پرسشنامه هیجان‌خواهی زاکرمن. برای ارزیابی هیجان‌خواهی از فرم ۴۰ گویه‌ای پرسشنامه هیجان‌خواهی زاکرمن استفاده شد. این مقیاس که از نسخه گسترده‌تر ۷۲ گویه‌ای ابزار استخراج شده است، چهار بعد اصلی هیجان‌خواهی شامل هیجان‌خواهی و ماجراجویی، تجربه‌جویی، بازداری‌زدایی و حساسیت نسبت به یکنواختی را اندازه‌گیری می‌کند. هر یک از چهار خرده‌مقیاس شامل ۱۰ گویه است. گویه‌ها به شیوه انتخاب اجباری ارائه می‌شوند و شرکت‌کننده در هر مورد یکی از دو گزینه «الف» یا «ب» را انتخاب می‌کند. گزینه‌ای که بیانگر سطح بالاتر هیجان‌خواهی است نمره ۱ و گزینه مقابل نمره صفر دریافت می‌کند؛ بنابراین، نمره هر خرده‌مقیاس از مجموع پاسخ‌های مربوط به ۱۰ گویه همان بعد و نمره کلی هیجان‌خواهی از مجموع نمرات چهار خرده‌مقیاس به دست می‌آید. نمرات بالاتر نشان‌دهنده تمایل بیشتر فرد به جست‌وجوی تجربه‌های تازه، متنوع، پیچیده و تحریک‌کننده و پذیرش درجاتی از خطر برای دستیابی به چنین تجربه‌هایی است. بعد هیجان‌خواهی و ماجراجویی عمدتاً تمایل به فعالیت‌های جسمانی پرتحرک یا پرخطر را منعکس می‌کند، تجربه‌جویی با جست‌وجوی تجربه‌های جدید حسی و شناختی ارتباط دارد، بازداری‌زدایی بیانگر تمایل به رفتارهای اجتماعی و تفریحی کمتر محدودشده است و حساسیت نسبت به یکنواختی به عدم تحمل موقعیت‌های تکراری و قابل پیش‌بینی اشاره دارد. مطالعات متعدد، ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب این مقیاس را تأیید کرده‌اند و ضرایب همسانی درونی آن معمولاً در دامنه ۰٫۶۴ تا ۰٫۸۶ گزارش شده است. ضریب بازآزمایی نیز در برخی مطالعات کوتاه‌مدت تا حدود ۰٫۹۴ به دست آمده است. در بررسی‌های انجام‌شده در نمونه‌های ایرانی نیز آلفای کرونباخ کل در حدود ۰٫۸۶ تا ۰٫۸۸ گزارش شده و شواهد حاصل از بررسی ساختار عاملی، از الگوی چهارعاملی این پرسشنامه حمایت کرده‌اند.

داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS Statistics نسخه ۲۶ تحلیل شدند. در مرحله نخست، داده‌ها از نظر کامل بودن پاسخ‌ها، خطاهای ورود اطلاعات و مناسب بودن برای انجام تحلیل‌های آماری بررسی شدند. سپس برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و متغیرهای اصلی پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین، میانه، انحراف استاندارد، واریانس، حداقل و حداکثر استفاده شد. پیش از اجرای آزمون‌های استنباطی، مفروضه‌های لازم برای تحلیل‌های پارامتریک و رگرسیونی، از جمله شکل توزیع متغیرها، خطی بودن روابط، نبود هم‌خطی چندگانه شدید میان متغیرهای پیش‌بین، استقلال خطاها و وضعیت باقی‌مانده‌های مدل مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین جهت و شدت روابط دو متغیره میان بهزیستی روان‌شناختی، ابعاد صفات تاریک شخصیت و ابعاد هیجان‌خواهی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. سپس برای تعیین میزان قدرت پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس مجموعه متغیرهای پیش‌بین، رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان اجرا شد تا سهم نسبی هر یک از ابعاد صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی، با کنترل اثر سایر متغیرهای موجود در مدل، مشخص شود. علاوه بر این، رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی به کار گرفته شد تا میزان افزایش واریانس تبیین‌شده بهزیستی روان‌شناختی در نتیجه ورود مجموعه‌های مختلف متغیرهای پیش‌بین در گام‌های متوالی بررسی شود و مشخص گردد که هر بلوک از متغیرها چه سهم افزوده‌ای در پیش‌بینی متغیر ملاک دارد. با توجه به هدف پژوهش و حضور هر دو گروه جنسیتی، تحلیل‌های مربوط به الگوی پیش‌بینی علاوه بر نمونه کلی، حسب ضرورت به تفکیک زنان و مردان نیز قابل بررسی در نظر گرفته شد. در تمامی تحلیل‌های استنباطی، سطح معناداری آماری ۰٫۰۵ در نظر گرفته شد و علاوه بر معناداری ضرایب، شاخص‌هایی مانند ضریب همبستگی، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل‌شده، ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد و تغییر ضریب تعیین برای تفسیر مدل‌های پیش‌بینی مورد توجه قرار گرفتند.

یافته‌ها

به‌منظور ارائه تصویری اولیه از وضعیت متغیرهای پژوهش، شاخص‌های توصیفی مربوط به ابعاد صفات تاریک شخصیت، ابعاد هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی در نمونه ۳۹۷ نفری محاسبه شد. در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار، واریانس و دامنه نمرات مشاهده‌شده متغیرهای اصلی و خرده‌مقیاس‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد نمونه	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمترین کسب شده	بیشترین کسب شده	نمره کمترین مورد انتظار	بیشترین مورد انتظار	نمره
ماکیولیسم	۳۹۷	۴	۸.۵۸	۴.۳۸	۱۹.۱۰	۴	۲۲	۴	۲۸	۲۸
جامعه‌ستیزی	۳۹۷	۴	۱۲.۰۱	۵.۵۳	۳۰.۶۰	۴	۲۷	۴	۲۸	۲۸
خودشیفتگی	۳۹۷	۴	۲۰.۶۶	۵.۱۹	۲۷.۰۰	۴	۲۸	۴	۲۸	۲۸
دیگرآزاری	۳۹۷	۹	۱۳.۳۹	۵.۴۰	۲۹.۱۰	۹	۳۱	۹	۶۳	۶۳
بازداری‌زدایی	۳۹۷	۱۰	۴.۵۲	۲.۷۸	۷.۷۵	۰	۱۰	۰	۱۰	۱۰
حساسیت یکنواختی	۳۹۷	۱۰	۲.۸۳	۲.۲۸	۵.۲۱	۰	۱۰	۰	۱۰	۱۰
ماجراجویی و هیجان‌طلبی	۳۹۷	۱۰	۵.۰۹	۲.۹۶	۸.۷۹	۰	۱۰	۰	۱۰	۱۰
تجربه‌طلبی	۳۹۷	۱۰	۴.۵۷	۲.۶۱	۶.۸۲	۰	۱۰	۰	۱۰	۱۰
هیجان‌خواهی	۳۹۷	۴۰	۱۷.۰۳	۷.۶۸	۵۹.۰۱	۰	۴۰	۰	۴۰	۴۰
استقلال	۳۹۷	۳	۱۳.۵۹	۲.۸۱	۷.۹۰	۴	۱۸	۳	۱۸	۱۸
تسلط بر محیط	۳۹۷	۳	۱۱.۶۶	۳.۴۳	۱۱.۷۹	۳	۱۸	۳	۱۸	۱۸
رشد شخصی	۳۹۷	۳	۱۲.۳۶	۳.۰۱	۹.۱۱	۳	۱۸	۳	۱۸	۱۸
ارتباط مثبت با دیگران	۳۹۷	۳	۹.۳۳	۳.۶۷	۱۳.۵۴	۳	۱۸	۳	۱۸	۱۸
هدفمندی در زندگی	۳۹۷	۳	۹.۹۷	۳.۴۴	۱۱.۸۵	۳	۱۸	۳	۱۸	۱۸
پذیرش خود	۳۹۷	۳	۱۰.۸۸	۳.۳۱	۱۰.۹۹	۳	۱۸	۳	۱۸	۱۸
بهبودی روان‌شناختی	۳۹۷	۱۸	۶۷.۸۳	۱۲.۹۴	۱۶۷.۶۰	۳۱	۱۰۴	۱۸	۱۰۸	۱۰۸

مطابق نتایج جدول ۱، در میان ابعاد صفات تاریک شخصیت، بیشترین میانگین مربوط به خودشیفتگی با میانگین ۲۰,۶۶ و انحراف معیار ۵,۱۹ و کمترین میانگین مربوط به ماکیولیسم با میانگین ۸,۵۸ و انحراف معیار ۴,۳۸ بود. میانگین جامعه‌ستیزی و دیگرآزاری نیز به ترتیب ۱۲,۰۱ و ۱۳,۳۹ به دست آمد. در متغیر هیجان‌خواهی، میانگین نمره کل برابر با ۱۷,۰۳ و انحراف معیار برابر با ۷,۶۸ بود و از میان ابعاد آن، ماجراجویی و هیجان‌طلبی با میانگین ۵,۰۹ بالاترین و حساسیت به یکنواختی با میانگین ۲,۸۳ پایین‌ترین مقدار را نشان داد. در زمینه بهزیستی روان‌شناختی، میانگین نمره کل برابر با ۶۷,۸۳ و انحراف معیار برابر با ۱۲,۹۴ بود و نمرات مشاهده‌شده از ۳۱ تا ۱۰۴ متغیر بودند. در میان ابعاد بهزیستی روان‌شناختی، استقلال با میانگین ۱۳,۵۹ بالاترین و ارتباط مثبت با دیگران با میانگین ۹,۳۳ پایین‌ترین میانگین را داشت. در مجموع، پراکندگی نمرات نشان داد که در متغیرهای اصلی پژوهش دامنه مناسبی از تفاوت‌های فردی وجود داشته است و داده‌ها از تنوع کافی برای انجام تحلیل‌های همبستگی و رگرسیونی برخوردار بودند.

پیش از اجرای تحلیل رگرسیون، مفروضه‌های اصلی تحلیل بررسی شد. نتایج مربوط به همسانی درونی ابزارها نشان داد ضریب آلفای کرونباخ تمامی مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های پژوهش بالاتر از ۰,۷۰ بود. ضرایب آلفا برای ماکیولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و دیگرآزاری به ترتیب ۰,۷۵۰، ۰,۷۶۲، ۰,۸۱۸ و ۰,۷۳۴ و برای خرده‌مقیاس‌های بازداری‌زدایی، حساسیت به یکنواختی، ماجراجویی و هیجان‌طلبی و تجربه‌طلبی به ترتیب ۰,۸۱۸، ۰,۷۵۵، ۰,۸۰۹ و ۰,۷۸۵ به دست آمد. ضریب آلفای کل هیجان‌خواهی ۰,۸۸۵ و ضریب آلفای کل بهزیستی روان‌شناختی ۰,۸۵۵ بود؛ بنابراین، همسانی درونی ابزارهای پژوهش در سطح قابل قبول قرار داشت. همچنین، بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشان داد که مقادیر تمامی متغیرهای پژوهش در محدوده ± 2 قرار داشتند. برای مثال، چولگی و کشیدگی ماکیولیسم به ترتیب ۰,۹۹ و ۰,۴۷، جامعه‌ستیزی ۰,۵۸ و -۰,۳۸، خودشیفتگی -۰,۸۲ و ۰,۴۹، دیگرآزاری ۱,۴۸ و ۱,۴۶، هیجان‌خواهی ۰,۲۴ و -۰,۴۳ و بهزیستی روان‌شناختی

۰,۲۰- و ۰,۰۸- بود. علاوه بر این، چولگی باقی‌مانده‌های رگرسیونی برابر با -۰,۱۹۶ و کشیدگی آنها برابر با ۱,۵۴۹ به دست آمد که هر دو در محدوده قابل قبول قرار داشتند. بر این اساس، مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها و باقی‌مانده‌های مدل تأیید شد و استفاده از روش‌های پارامتریک و رگرسیون چندگانه مناسب ارزیابی گردید.

برای بررسی اینکه آیا مجموعه صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی قادر به پیش‌بینی معنادار بهزیستی روان‌شناختی هستند، ابتدا معناداری کلی مدل رگرسیون با استفاده از تحلیل واریانس بررسی شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیون پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	p
رگرسیون	۴۴۱۸۸.۰۲	۵	۸۸۳۷.۶۰	۱۵۵.۷۰	<۰.۰۰۱
باقی‌مانده	۲۲۱۸۹.۰۰	۳۹۱	۵۶.۷۴	—	—
مجموع	۶۶۳۷۷.۰۲	۳۹۶	—	—	—

نتایج جدول ۲ نشان داد مدل رگرسیون در سطح آماری معنادار است، به‌طوری‌که مقدار آماره F برابر با ۱۵۵,۷۰ با درجات آزادی ۵ و ۳۹۱ به دست آمد و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ بود. بنابراین، مجموعه متغیرهای ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی، دیگرآزاری و هیجان‌خواهی به‌صورت همزمان توانستند تغییرات بهزیستی روان‌شناختی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند. نسبت مجموع مجزورات رگرسیون به مجموع مجزورات کل نشان داد ضریب تعیین مدل تقریباً برابر با ۰,۶۶۶ است؛ به عبارت دیگر، حدود ۶۶,۶ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی توسط مجموعه متغیرهای پیش‌بین موجود در مدل تبیین شد. این مقدار بیانگر قدرت تبیین نسبتاً بالای مدل رگرسیونی و معناداری رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین و بهزیستی روان‌شناختی بود.

در ادامه، برای تعیین سهم مستقل هر یک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین بهزیستی روان‌شناختی، ضرایب رگرسیون چندگانه بررسی شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی

متغیر پیش‌بین	B	خطای استاندارد	Beta	t	p
عرض از مبدأ	۱۰۶.۷۰	۱.۷۲۲	—	۶۲.۰۱۷	<۰.۰۰۱
ماکیاولیسم	-۰.۳۹۶	۰.۱۰۶	-۰.۱۳۴	-۳.۷۵۳	<۰.۰۰۱
جامعه‌ستیزی	-۰.۷۳۲	۰.۰۹۱	-۰.۳۱۳	-۸.۰۵۸	<۰.۰۰۱
خودشیفتگی	-۰.۵۵۵	۰.۰۸۱	-۰.۲۲۳	-۶.۸۶۳	<۰.۰۰۱
دیگرآزاری	-۰.۵۵۷	۰.۰۸۴	-۰.۲۳۲	-۶.۶۲۲	<۰.۰۰۱
هیجان‌خواهی	-۰.۴۵۹	۰.۰۶۱	-۰.۲۷۲	-۷.۵۳۸	<۰.۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان داد تمامی متغیرهای وارد شده به مدل، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار بهزیستی روان‌شناختی بودند. در میان متغیرهای پیش‌بین، جامعه‌ستیزی با ضریب استاندارد $\beta = -0.313$ بیشترین سهم نسبی را در پیش‌بینی کاهش بهزیستی روان‌شناختی داشت و پس از آن هیجان‌خواهی با $\beta = -0.272$ ، دیگرآزاری با $\beta = -0.232$ ، خودشیفتگی با $\beta = -0.223$ و ماکیاولیسم با $\beta = -0.134$ قرار گرفتند. ضرایب غیراستاندارد نیز نشان دادند که با ثابت نگه‌داشتن سایر متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در ماکیاولیسم با کاهش ۰,۳۹۶ واحد، افزایش یک واحد در جامعه‌ستیزی با کاهش ۰,۷۳۲ واحد، افزایش یک واحد در خودشیفتگی با کاهش ۰,۵۵۵ واحد، افزایش یک واحد در دیگرآزاری با کاهش ۰,۵۵۷ واحد و افزایش یک واحد در هیجان‌خواهی با کاهش ۰,۴۵۹ واحد در نمره بهزیستی روان‌شناختی همراه بود. با توجه به معناداری تمامی ضرایب در سطح کمتر از ۰,۰۰۱ و معناداری کلی مدل، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی قادر به پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی هستند، تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی در زنان و مردان بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مجموعه متغیرهای ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی، دیگرآزاری و هیجان‌خواهی توانستند به‌طور معناداری بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند و در مجموع حدود ۶۶٫۶ درصد از واریانس این متغیر را تبیین نمایند. همچنین، تمامی متغیرهای پیش‌بین دارای رابطه منفی و معنادار با بهزیستی روان‌شناختی بودند؛ به‌گونه‌ای که افزایش در ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی، دیگرآزاری و هیجان‌خواهی با کاهش نمره بهزیستی روان‌شناختی همراه بود. در میان متغیرهای وارد شده به مدل، جامعه‌ستیزی بیشترین سهم نسبی را در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی داشت و پس از آن به‌ترتیب هیجان‌خواهی، دیگرآزاری، خودشیفتگی و ماکیاولیسم قرار گرفتند. این الگو نشان می‌دهد که برخی مؤلفه‌های شخصیت تاریک، به‌ویژه ویژگی‌های مرتبط با بی‌تفاوتی عاطفی، تکانشگری، کاهش همدلی و بی‌اعتنایی به پیامدهای بین‌فردی، می‌توانند نقش پررنگ‌تری در کاهش کیفیت کارکرد روان‌شناختی فرد داشته باشند.

یافته کلی پژوهش مبنی بر رابطه منفی صفات تاریک شخصیت با بهزیستی روان‌شناختی با بخش قابل توجهی از ادبیات پیشین همسو است. نتایج فراتحلیل انجام‌شده درباره ارتباط سه‌گانه تاریک با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی نشان داده است که بیشتر ابعاد شخصیت تاریک، به‌ویژه ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی، با شاخص‌های ضعیف‌تر بهزیستی همراه هستند و شدت این رابطه در میان مؤلفه‌های مختلف تفاوت دارد (Blasco-Belled et al., 2024). همچنین، نتایج پژوهش بلول و خانم نشان داد صفات تاریک با کاهش بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری ارتباط دارند و افرادی که در این صفات نمرات بالاتری کسب می‌کنند، معمولاً منابع روان‌شناختی سازگارانه محدودتری نشان می‌دهند (Belwal & Khanam, 2023). یافته حاضر همچنین با نتایج پژوهش اگان و همکاران همراستا است که ارتباط صفات سه‌گانه تاریک با شادی و بهزیستی ذهنی را بررسی کردند و نشان دادند که سطوح بالاتر برخی ابعاد تاریک شخصیت با کاهش شاخص‌های مثبت سلامت روان همراه است (Egan et al., 2014). در بافت ایرانی نیز پژوهش آق‌لی و همکاران نشان داد که صفات تاریک شخصیت می‌توانند در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نقش داشته باشند و وجود سطوح بالاتر این صفات با الگوهای نامطلوب‌تر سلامت روان مثبت همراه است (Aghli et al., 2018). بنابراین، نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در امتداد شواهدی دانست که شخصیت تاریک را نه صرفاً مجموعه‌ای از ویژگی‌های بین‌فردی نامطلوب، بلکه عاملی مرتبط با کیفیت تجربه درونی، سازگاری و سلامت روان می‌دانند.

رابطه منفی ماکیاولیسم با بهزیستی روان‌شناختی را می‌توان با ماهیت شناختی و بین‌فردی این صفت تبیین کرد. افراد دارای گرایش ماکیاولیستی بالا معمولاً روابط اجتماعی را از منظر سود و زیان، کنترل و دستیابی به منافع شخصی ارزیابی می‌کنند و ممکن است اعتماد کمتری به دیگران داشته باشند. چنین نگرشی می‌تواند زمینه شکل‌گیری روابط سطحی‌تر، کاهش صمیمیت و افزایش سوءظن را فراهم کند. از آنجا که یکی از ابعاد بنیادی بهزیستی روان‌شناختی در مدل ریف برخورداری از روابط مثبت و معنادار با دیگران است، الگوی ارتباطی مبتنی بر دستکاری و بی‌اعتمادی می‌تواند مستقیماً این بعد را تضعیف کند (Ryff, 2013). از سوی دیگر، ماکیاولیسم ممکن است فرد را به سوی تنظیم روابط بر اساس کنترل بیرونی سوق دهد و در نتیجه فرصت تجربه اصالت، پذیرش خود و رشد شخصی را کاهش دهد. پژوهش‌های مربوط به صفات تاریک نیز نشان داده‌اند که ماکیاولیسم با شاخص‌های پایین‌تر بهزیستی ارتباط دارد و این رابطه در مقایسه با برخی صفات دیگر، معمولاً نسبتاً پایدار است (Blasco-Belled et al., 2024). همچنین، تصور فرد از خوشبختی و موفقیت می‌تواند بخشی از رابطه بین صفات تاریک و بهزیستی را توضیح دهد؛ به این معنا که افرادی با نگرش ابزاری‌تر نسبت به روابط ممکن است خوشبختی را بیشتر در قالب برتری، کنترل یا منفعت شخصی تعریف کنند و در نتیجه از مؤلفه‌های پایداری و درون‌زاد بهزیستی فاصله بگیرند (Joshi, 2021).

جامعه‌ستیزی در پژوهش حاضر قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده منفی بهزیستی روان‌شناختی بود. این یافته از نظر نظری قابل انتظار است، زیرا ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، بی‌تفاوتی نسبت به احساسات دیگران، کاهش مسئولیت‌پذیری، ضعف در مهار رفتار و حساسیت پایین‌تر نسبت به پیامدهای منفی می‌توانند حوزه‌های مختلف کارکرد روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار دهند. فردی که در تنظیم رفتار، حفظ روابط پایدار و

ارزیابی پیامدهای بلندمدت ضعف بیشتری دارد، احتمالاً در ابعادی مانند تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و روابط مثبت با دیگران نیز با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهد شد. این تبیین با یافته‌های پژوهش‌های پیشین درباره ارتباط جامعه‌ستیزی با سطوح پایین‌تر شادی، بهزیستی و سازگاری روان‌شناختی همخوان است (Belwal & Khanam, 2023; Egan et al., 2014). افزون بر این، برخی ویژگی‌های جامعه‌ستیزانه با کاهش خودکارآمدی و مشکلات بیشتر در عملکرد تحصیلی یا اجتماعی مرتبط دانسته شده‌اند که می‌تواند به صورت غیرمستقیم احساس کارآمدی و تسلط فرد بر زندگی را کاهش دهد (Saadat et al., 2017). بر این اساس، می‌توان گفت سهم بالاتر جامعه‌ستیزی در مدل حاضر احتمالاً به این دلیل است که این صفت به‌طور همزمان چندین مؤلفه اصلی بهزیستی روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مورد خودشیفتگی نیز نتایج نشان داد که این صفت به‌طور منفی و معنادار بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کند. با این حال، تفسیر این یافته نیازمند توجه به پیچیدگی ساختار خودشیفتگی است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که جنبه‌های خاصی از خودشیفتگی، به‌ویژه خودشیفتگی بزرگ‌منشانه، ممکن است در کوتاه‌مدت با اعتمادبه‌نفس بیشتر یا ارزیابی مثبت‌تر از خود همراه باشند، اما این مزایا لزوماً به بهزیستی روان‌شناختی پایدار منجر نمی‌شوند. یافته‌های فراطحلی نیز نشان می‌دهد که ارتباط خودشیفتگی با بهزیستی نسبت به ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی ناهمگون‌تر است و می‌تواند بر حسب نوع خودشیفتگی و شاخص مورد بررسی تغییر کند (Blasco-Belled et al., 2024). در پژوهش حاضر، رابطه منفی خودشیفتگی با بهزیستی می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که نیاز شدید به تأیید، احساس استحقاق و حساسیت نسبت به ارزیابی اجتماعی، در مجموع با آسیب‌پذیری بیشتر در برابر ناکامی‌های بین‌فردی همراه بوده است. به بیان دیگر، اگر احساس ارزشمندی فرد به تأیید بیرونی و حفظ تصویر برتر از خود وابسته باشد، احتمال نوسان بیشتر در پذیرش خود، روابط مثبت و ثبات روان‌شناختی وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعاتی که صفات تاریک را با بهزیستی پایین‌تر مرتبط دانسته‌اند همخوان است (Aghli et al., 2018; Joshanloo, 2021).

دیگرآزاری نیز رابطه منفی و معناداری با بهزیستی روان‌شناختی نشان داد و در مدل حاضر یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های نسبتاً قوی بود. افزودن سادیسم یا دیگرآزاری به سه‌گانه تاریک، الگوی چهارگانه تاریک را شکل می‌دهد و باعث می‌شود جنبه‌هایی از لذت یا رضایت حاصل از تحقیر، آزار یا ناراحتی دیگران نیز در ارزیابی شخصیت تاریک لحاظ شوند (Yousefi & Imanzad, 2018). از منظر نظری، دیگرآزاری می‌تواند با کاهش همدلی، افزایش تعارضات بین‌فردی و تضعیف پیوندهای اجتماعی همراه باشد. از آنجا که روابط مثبت با دیگران یکی از ستون‌های اصلی بهزیستی روان‌شناختی است، طبیعی است که گرایش به آزار یا تحقیر دیگران با کاهش کیفیت این بعد همراه شود. افزون بر این، رفتارهای خصمانه می‌توانند در بلندمدت به افزایش تعارض، طرد اجتماعی و کاهش حمایت بین‌فردی منجر شوند و از این طریق احساس امنیت و انسجام روان‌شناختی را کاهش دهند. پژوهش‌های مرتبط با چهارگانه تاریک نیز نشان می‌دهند که افزودن بعد سادیسم می‌تواند قدرت تبیینی مدل‌های شخصیت تاریک را افزایش دهد و برخی الگوهای رفتاری و بین‌فردی را بهتر توضیح دهد (Keblusek, 2018; Yousefi & Imanzad, 2018).

نتیجه مهم دیگر پژوهش حاضر، نقش منفی هیجان‌خواهی در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بود. این یافته با پژوهش‌هایی که هیجان‌خواهی را در ارتباط با رفتارهای پرخطر و کاهش ثبات روان‌شناختی بررسی کرده‌اند همسواست (Jarjandi et al., 2018). همچنین، در پژوهش کشوری، هیجان‌خواهی روان‌شناختی در کنار متغیرهایی مانند سرسختی و خودادراکی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط داشت (Keshvari, 2020). در پژوهش ابراهیمی نیز ابعاد چهارگانه تاریک و هیجان‌خواهی به‌طور همزمان به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفتند و یافته‌ها بر اهمیت نقش این متغیرها در تبیین تفاوت‌های فردی تأکید داشتند (Ebrahimi, 2023). می‌توان چنین تبیین کرد که اگر هیجان‌خواهی در سطوح بالا با بی‌حوصلگی نسبت به شرایط پایدار، نیاز مداوم به تحریک و تمایل به تجربه‌های جدید همراه باشد، فرد ممکن است در حفظ اهداف بلندمدت، رضایت از شرایط موجود و احساس تسلط بر محیط با دشواری مواجه شود. این وضعیت می‌تواند به کاهش برخی ابعاد بهزیستی، به‌ویژه هدفمندی، ثبات روابط و احساس کنترل بر زندگی منجر شود.

در عین حال، هیجان‌خواهی را نباید به‌طور کامل یک ویژگی منفی تلقی کرد. این صفت می‌تواند در شرایط خاص با کنجکاوی، تجربه‌جویی، فعالیت‌پذیری و آمادگی برای مواجهه با موقعیت‌های جدید همراه باشد. بنابراین، رابطه منفی مشاهده‌شده در پژوهش حاضر احتمالاً بیشتر به شیوه بروز هیجان‌خواهی و همراهی آن با سایر ویژگی‌های شخصیتی بستگی دارد. وقتی هیجان‌خواهی با تکانشگری، بازداری‌زدایی و برخی مؤلفه‌های شخصیت تاریک همراه می‌شود، احتمال دارد پیامدهای ناسازگارانه آن افزایش یابد. این نکته در پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هیجان‌خواهی همزمان با چهار مؤلفه تاریک وارد مدل شده است و همچنان سهم مستقل و معناداری در تبیین کاهش بهزیستی داشته است. به بیان دیگر، نقش هیجان‌خواهی صرفاً ناشی از همپوشانی آن با شخصیت تاریک نبوده و این متغیر به‌صورت جداگانه نیز می‌تواند بخشی از تفاوت‌های افراد در بهزیستی روان‌شناختی را توضیح دهد.

ضریب تعیین ۰٫۶۶۶ نشان داد که مجموعه متغیرهای مورد بررسی سهم قابل توجهی در تبیین بهزیستی روان‌شناختی دارند. با این حال، این مقدار نباید به این معنا تفسیر شود که بهزیستی صرفاً تابع ویژگی‌های تاریک و هیجان‌خواهی است. بهزیستی روان‌شناختی سازه‌ای چندبعدی است و عوامل متعددی از جمله خودکارآمدی، مهارت‌های شناختی، مهارت‌های ارتباطی، ذهن‌آگاهی، حمایت اجتماعی و شرایط محیطی می‌توانند بر آن اثرگذار باشند. برای مثال، خودکارآمدی به‌عنوان یکی از متغیرهای مرتبط با شاخص‌های مثبت سلامت روان شناخته شده است (Telef & Ergün, 2013). همچنین، پژوهش چشمه‌کبودی نشان داده است که ذهن‌آگاهی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های شناختی می‌توانند در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نقش داشته باشند (Cheshmeh Kaboudi, 2023). این نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیت تاریک احتمالاً در تعامل با منابع سازگارانه فرد عمل می‌کنند و ممکن است اثر آنها در افرادی که از مهارت‌های روان‌شناختی و اجتماعی بالاتری برخوردارند، متفاوت باشد.

همچنین، باید توجه داشت که بهزیستی روان‌شناختی در قالب الگوی ریف از مؤلفه‌هایی تشکیل شده است که هر یک ممکن است به‌گونه‌ای متفاوت از صفات تاریک و هیجان‌خواهی تأثیر بپذیرند. استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدفمندی و پذیرش خود، سازه‌هایی کاملاً همسان نیستند و ممکن است هر یک با الگویی متفاوت از پیش‌بینی‌کننده‌ها مرتبط باشند (Henn et al., 2016; Ryff, 2013). افزون بر این، مطالعات ساختاری درباره سلامت روان نشان داده‌اند که بهزیستی را باید به‌صورت یک مفهوم چندبعدی و نه یک شاخص واحد در نظر گرفت (Hides et al., 2016). بنابراین، اگرچه پژوهش حاضر نمره کلی بهزیستی روان‌شناختی را به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته است، احتمال دارد در تحلیل جداگانه ابعاد بهزیستی، تفاوت‌هایی در شدت و جهت روابط مشاهده شود.

از منظر تحولی و اجتماعی نیز تفسیر نتایج اهمیت دارد. خودمختاری، احساس کنترل و کیفیت روابط اجتماعی در مراحل مختلف بزرگسالی می‌توانند معنا و اهمیت متفاوتی داشته باشند. یافته‌های دخواناس و همکاران نشان داده است که رابطه خودمختاری و بهزیستی روان‌شناختی با سن و شرایط رشدی جوانان مرتبط است (De-Juanas et al., 2020). از این رو، احتمال دارد اثر صفات تاریک و هیجان‌خواهی نیز در گروه‌های سنی مختلف متفاوت باشد. همچنین، اگرچه نمونه پژوهش حاضر شامل زنان و مردان بود، تحلیل ارائه‌شده در این مطالعه بر پیش‌بینی کلی بهزیستی در نمونه متمرکز بود و بر اساس نتایج موجود نمی‌توان درباره تفاوت قطعی الگوی پیش‌بینی میان زنان و مردان نتیجه‌گیری کرد. بررسی تفاوت‌های جنسیتی نیازمند تحلیل‌های مقایسه‌ای یا مدل‌های جداگانه برای دو گروه است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که صفات تاریک شخصیت و هیجان‌خواهی می‌توانند نقش مهمی در تبیین تفاوت‌های فردی در بهزیستی روان‌شناختی داشته باشند. به‌ویژه جامعه‌ستیزی و هیجان‌خواهی به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های منفی در مدل ظاهر شدند. این الگو با دیدگاه‌هایی همخوان است که سلامت روان مثبت را حاصل صرف فقدان آسیب‌شناسی نمی‌دانند، بلکه آن را متأثر از شیوه سازمان‌یافتگی شخصیت، کیفیت روابط اجتماعی، کنترل رفتاری و جهت‌گیری فرد نسبت به اهداف زندگی می‌دانند. در نتیجه، افزایش ویژگی‌هایی مانند بی‌تفاوتی بین‌فردی، تکانشگری، بهره‌برداری از دیگران، نیاز مداوم به تحریک و ضعف در روابط مثبت می‌تواند با کاهش کیفیت عملکرد روان‌شناختی همراه شود.

پژوهش حاضر با چند محدودیت همراه بود که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، ماهیت همبستگی و مقطعی پژوهش اجازه استنباط روابط علی میان صفات تاریک شخصیت، هیجان خواهی و بهزیستی روان شناختی را نمی دهد و مشخص نیست کاهش بهزیستی پیامد این ویژگی هاست یا برخی سطوح پایین تر بهزیستی می توانند در تشدید یا بروز برخی ویژگی های شخصیتی نقش داشته باشند. دوم، نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و شرکت کنندگان عمدتاً از بزرگسالان شهر تهران بودند؛ بنابراین تعمیم نتایج به همه گروه های جمعیتی، مناطق جغرافیایی یا بافت های فرهنگی باید با احتیاط صورت گیرد. سوم، تمامی متغیرها با استفاده از ابزارهای خودگزارشی سنجیده شدند و در نتیجه احتمال سوگیری ناشی از مطلوبیت اجتماعی، خودارزیابی نادقیق یا پنهان سازی برخی ویژگی های منفی وجود دارد. همچنین، با وجود حضور زنان و مردان در نمونه، تحلیل اصلی به صورت کلی انجام شد و تفاوت های احتمالی بین دو گروه به طور مستقل مورد آزمون قرار نگرفت. افزون بر این، متغیرهایی مانند وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی، مشکلات روان شناختی، سبک دلبستگی و رویدادهای تنیدگی زای زندگی که می توانند با بهزیستی ارتباط داشته باشند، در مدل کنترل نشدند.

پیشنهاد می شود در مطالعات آینده از طرح های طولی استفاده شود تا جهت روابط میان صفات شخصیت، هیجان خواهی و بهزیستی روان شناختی با دقت بیشتری مشخص شود. همچنین، استفاده از نمونه گیری احتمالی و انتخاب نمونه از شهرها، گروه های سنی و زمینه های فرهنگی متفاوت می تواند قابلیت تعمیم نتایج را افزایش دهد. بررسی جداگانه مدل در زنان و مردان و آزمون تفاوت ضرایب رگرسیون میان دو گروه می تواند به درک دقیق تر نقش جنسیت کمک کند. پیشنهاد می شود ابعاد شش گانه بهزیستی روان شناختی نیز به صورت جداگانه به عنوان متغیر ملاک بررسی شوند تا مشخص شود کدام صفات تاریک با کدام جنبه های بهزیستی رابطه قوی تری دارند. همچنین، بررسی متغیرهای میانجی و تعدیل گر مانند همدلی، خودکنترلی، تنظیم هیجان، حمایت اجتماعی، ذهن آگاهی، تاب آوری و خودکارآمدی می تواند سازوکارهای روان شناختی این روابط را روشن تر کند. استفاده از روش های چندمنبعی، ارزیابی رفتاری و گزارش نزدیکان در کنار پرسشنامه های خودگزارشی نیز می تواند اعتبار یافته ها را افزایش دهد.

در سطح کاربردی، نتایج پژوهش می تواند در طراحی برنامه های ارتقای سلامت روان و مداخلات پیشگیرانه مورد استفاده قرار گیرد. ارزیابی ویژگی هایی مانند تکانشگری، گرایش به دستکاری روابط، بی تفاوتی بین فردی، نیاز شدید به تحریک و دشواری در حفظ روابط پایدار می تواند به شناسایی افرادی کمک کند که در معرض بهزیستی روان شناختی پایین تر قرار دارند. در برنامه های مشاوره ای و آموزشی می توان بر تقویت خودآگاهی، تنظیم هیجان، خودکنترلی، همدلی، مهارت های ارتباطی، تصمیم گیری مبتنی بر پیامدهای بلندمدت و ایجاد اهداف شخصی معنادار تأکید کرد. برای افراد دارای هیجان خواهی بالا نیز می توان راهبردهایی برای هدایت این نیاز به سوی فعالیت های ایمن، سازنده و رشددهنده مانند ورزش، فعالیت های خلاقانه، تجربه های آموزشی و ماجراجویی های کنترل شده پیشنهاد کرد. همچنین، در محیط های آموزشی، شغلی و مشاوره ای، توجه همزمان به ویژگی های شخصیتی و منابع مثبت روان شناختی می تواند به طراحی مداخلات هدفمندتر برای ارتقای بهزیستی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Psychological well-being is a central construct in positive psychology and contemporary approaches to mental health because it reflects not merely the absence of psychological distress but also the presence of effective psychological functioning, personal development, meaningful relationships, autonomy, and purposeful engagement with life. Within Ryff's eudaimonic framework, psychological well-being is conceptualized as a multidimensional construct comprising self-acceptance, positive relations with others, autonomy, environmental mastery, purpose in life, and personal growth (Ryff, 2013). This perspective emphasizes the extent to which individuals perceive their lives as meaningful, maintain constructive interpersonal relationships, regulate their behavior according to internal standards, manage their environments effectively, and continue developing their capacities. Empirical investigations have generally supported the multidimensional nature of psychological well-being, although the degree of differentiation among its dimensions may vary across populations and measurement models (Henn et al., 2016; Hides et al., 2016). Moreover, psychological well-being is associated with personal resources such as self-efficacy and adaptive functioning, indicating that individual differences in personality and self-regulation may substantially contribute to variations in well-being (Telef & Ergün, 2013).

Among the personality characteristics that may undermine psychological well-being, dark personality traits have received considerable attention. The Dark Triad traditionally comprises Machiavellianism, narcissism, and psychopathy or sociopathy, whereas the Dark Tetrad extends this framework by incorporating everyday sadism. These traits share an interpersonal core characterized by self-centeredness, manipulativeness, diminished empathy, exploitative tendencies, emotional coldness, and varying degrees of disregard for social norms. Nevertheless, each dimension also contains distinct psychological features. Machiavellianism is primarily characterized by strategic manipulation, cynicism, and an instrumental orientation toward interpersonal relationships; narcissism involves grandiosity, entitlement, and a strong need for admiration; sociopathy is associated with impulsivity, callousness, reduced empathy, and disregard for consequences; and

sadism reflects a tendency to derive satisfaction from humiliating, dominating, or harming others. Evidence from Iranian populations supports the validity of distinguishing these four dimensions within the Dark Tetrad framework (Yousefi & Imanzad, 2018).

Dark personality characteristics may impair psychological well-being through several pathways. Individuals characterized by interpersonal manipulation, distrust, hostility, emotional detachment, or exploitation may experience difficulty establishing stable and supportive relationships, thereby undermining one of the central dimensions of psychological well-being. Likewise, impulsive and socially insensitive behavioral patterns may interfere with environmental mastery, long-term goal pursuit, self-acceptance, and personal growth. Previous studies have reported associations between dark personality traits and reduced psychological well-being, happiness, resilience, and adaptive functioning (Aghli et al., 2018; Belwal & Khanam, 2023; Egan et al., 2014). Recent meta-analytic evidence further indicates that the Dark Triad traits are meaningfully associated with both subjective and psychological well-being, although the magnitude and direction of these associations are not identical across all dark traits (Blasco-Belled et al., 2024). Moreover, individuals' conceptions of happiness may partly account for the association between dark personality characteristics and well-being, suggesting that personality can influence not only psychological functioning but also the standards through which individuals evaluate a good or successful life (Joshani, 2021). Other findings have linked dark personality characteristics to domains such as academic self-efficacy and interpersonal-social behavior, further demonstrating their relevance to broader psychological adjustment (Kebusek, 2018; Saadat et al., 2017).

Sensation seeking represents another personality-related characteristic potentially relevant to psychological well-being. It refers to the tendency to seek novel, varied, complex, and intense experiences and to accept a certain degree of risk in pursuit of such stimulation. Sensation seeking encompasses dimensions such as thrill and adventure seeking, experience seeking, disinhibition, and boredom susceptibility. Although moderate sensation seeking may facilitate exploration, novelty, learning, and active engagement with the environment, high levels may also be associated with impulsivity, behavioral instability, risk taking, and difficulty tolerating routine. Previous research has demonstrated meaningful relationships between sensation seeking, psychological well-being, and risky behavioral tendencies (Jarjandi et al., 2018). Similarly, sensation seeking has been examined alongside psychological hardiness and self-perception as a correlate of psychological well-being (Keshvari, 2020). Importantly, research examining the Dark Tetrad and sensation seeking simultaneously has suggested that both sets of characteristics may contribute to individual differences in psychological well-being (Ebrahimi, 2023). Psychological well-being is also influenced by adaptive cognitive and interpersonal resources, including mindfulness, communication skills, and cognitive competencies, highlighting the need to understand personality predictors within a broader framework of psychological functioning (Cheshmeh Kaboudi, 2023). Because autonomy and psychological well-being may also vary according to developmental and demographic circumstances, examining these relationships among adult women and men can provide further insight into the generalizability of personality-based models of well-being (De-Juanas et al., 2020). Therefore, the present study aimed to predict psychological well-being based on Dark Tetrad personality traits and sensation seeking among women and men.

Methods and Materials

The present study was fundamental in purpose and descriptive-correlational in design. It examined associations among the study variables without experimental manipulation and assessed the predictive contribution of Dark Tetrad personality traits and sensation seeking to psychological well-being. The statistical population consisted of adult women and men residing in Tehran. Participants were recruited through convenience sampling. Based on the regression sample-size guideline of $(N \geq 50 + 8M)$, and considering eight predictor dimensions comprising four Dark Tetrad traits and four dimensions of sensation seeking, the minimum required sample

size was 114. However, a substantially larger sample was targeted to increase statistical power and compensate for incomplete responses. Ultimately, data from 397 eligible participants were included in the final analyses. Data were collected primarily online through an integrated questionnaire developed on the Porsline platform. Eligibility criteria included being at least 18 years old, residing in Tehran, identifying as either a woman or a man, voluntarily agreeing to participate, and completing the principal study questionnaires. Demographic information included age, sex, educational level, marital status, and, where applicable, years of marriage. Participation was anonymous, and providing an email address was optional.

Dark personality traits were assessed using the 21-item Dark Tetrad Personality Traits Questionnaire, which measures Machiavellianism, sociopathy, narcissism, and sadism. Items are rated on a seven-point Likert scale, with higher scores indicating greater endorsement of the corresponding dark personality characteristic. Psychological well-being was assessed using the 18-item short form of Ryff's Psychological Well-Being Scale, encompassing autonomy, environmental mastery, personal growth, positive relations with others, purpose in life, and self-acceptance. Items are rated on a six-point Likert scale, with selected items reverse-scored. Sensation seeking was measured using the 40-item Zuckerman Sensation Seeking Scale, which assesses disinhibition, boredom susceptibility, thrill and adventure seeking, and experience seeking. Items use a forced-choice format scored as 0 or 1, producing a total score ranging from 0 to 40.

Data were analyzed using IBM SPSS Statistics version 26. Descriptive statistics included means, standard deviations, variances, minimum and maximum scores, frequencies, and percentages. Internal consistency was evaluated using Cronbach's alpha. Distributional assumptions were examined through skewness and kurtosis indices, while the normality of regression residuals was also assessed. Pearson correlation analysis was used to examine bivariate relationships, and multiple regression was applied to determine the predictive contribution of Machiavellianism, sociopathy, narcissism, sadism, and overall sensation seeking to psychological well-being. Statistical significance was evaluated at the 0.05 level.

Findings

Descriptive findings indicated substantial individual variability across the principal study variables. For the Dark Tetrad dimensions, the mean scores were 8.58 (SD=4.38) for Machiavellianism, 12.01 (SD=5.53) for sociopathy, 20.66 (SD=5.19) for narcissism, and 13.39 (SD=5.40) for sadism. Among these dimensions, narcissism had the highest mean score. Regarding sensation seeking, the mean scores for disinhibition, boredom susceptibility, thrill and adventure seeking, and experience seeking were 4.52 (SD=2.78), 2.83 (SD=2.28), 5.09 (SD=2.96), and 4.57 (SD=2.61), respectively. The overall sensation-seeking score had a mean of 17.03 (SD=7.68), with observed values ranging from 0 to 40.

The overall mean score for psychological well-being was 67.83 (SD=12.94), with observed scores ranging from 31 to 104. Among its dimensions, autonomy had the highest mean at 13.59 (SD=2.81), followed by personal growth at 12.36 (SD=3.01), environmental mastery at 11.66 (SD=3.43), self-acceptance at 10.88 (SD=3.31), purpose in life at 9.97 (SD=3.44), and positive relations with others at 9.33 (SD=3.67).

Internal consistency coefficients were acceptable for all measures. Cronbach's alpha values were 0.750 for Machiavellianism, 0.762 for sociopathy, 0.818 for narcissism, and 0.734 for sadism. Alpha coefficients for disinhibition, boredom susceptibility, thrill and adventure seeking, and experience seeking were 0.818, 0.755, 0.809, and 0.785, respectively, while the overall sensation-seeking scale yielded an alpha of 0.885. The total psychological well-being scale demonstrated an alpha coefficient of 0.855. Skewness and kurtosis indices for all study variables were within the acceptable range of -2 to +2. Regression residuals also showed acceptable distributional characteristics, with skewness of -0.196 and kurtosis of 1.549.

The overall regression model was statistically significant, $F(5,391)=155.70$, $p<0.001$. The predictors accounted for approximately 66.6% of the variance in psychological well-being ($R^2=0.666$), indicating substantial explanatory power. All five predictors made statistically significant negative contributions to psychological

well-being. Machiavellianism negatively predicted psychological well-being ($B=-0.396$, $SE=0.106$, $\beta=-0.134$, $t=-3.753$, $p<0.001$). Sociopathy was the strongest negative predictor ($B=-0.732$, $SE=0.091$, $\beta=-0.313$, $t=-8.058$, $p<0.001$). Narcissism also showed a significant negative effect ($B=-0.555$, $SE=0.081$, $\beta=-0.223$, $t=-6.863$, $p<0.001$), as did sadism ($B=-0.557$, $SE=0.084$, $\beta=-0.232$, $t=-6.622$, $p<0.001$). Sensation seeking independently predicted lower psychological well-being ($B=-0.459$, $SE=0.061$, $\beta=-0.272$, $t=-7.538$, $p<0.001$). Thus, higher levels of each dark personality trait and greater sensation seeking were associated with lower psychological well-being.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that dark personality characteristics and sensation seeking collectively constitute substantial predictors of psychological well-being. The model explained approximately two-thirds of the variance in psychological well-being, indicating that these personality-related characteristics may be strongly associated with how individuals evaluate themselves, regulate their lives, establish relationships, pursue goals, and experience personal growth.

Sociopathy emerged as the strongest negative predictor. This pattern may be explained by the characteristics typically associated with sociopathy, including impulsivity, emotional detachment, reduced empathy, limited sensitivity to interpersonal consequences, and weak behavioral restraint. Such tendencies can interfere simultaneously with several dimensions of well-being, particularly positive relations, environmental mastery, self-acceptance, and purposeful behavior. Individuals who have difficulty maintaining stable interpersonal commitments or considering the long-term consequences of their behavior may experience lower psychological integration and less effective adaptation to social and personal demands.

Sensation seeking was the second strongest predictor. High sensation seeking may generate a persistent demand for novelty and stimulation that makes stable environments, repetitive responsibilities, or delayed rewards less satisfying. When this characteristic is accompanied by disinhibition and boredom susceptibility, individuals may be more vulnerable to unstable decision-making and difficulty sustaining long-term goals. The present findings do not imply that novelty seeking is inherently maladaptive; rather, they suggest that elevated sensation seeking, when considered within a model containing dark personality characteristics, is independently associated with lower psychological well-being.

Sadism, narcissism, and Machiavellianism also negatively predicted psychological well-being. Sadistic tendencies may undermine well-being by weakening empathy, increasing interpersonal conflict, and compromising access to supportive social relationships. Narcissistic characteristics may produce an unstable form of positive self-evaluation that depends heavily on admiration, superiority, or external validation. Consequently, apparent self-confidence may not necessarily translate into genuine self-acceptance or stable psychological functioning. Machiavellianism may similarly weaken well-being through cynical interpersonal beliefs, distrust, strategic manipulation, and an instrumental approach to relationships, all of which can limit intimacy and mutual social support.

Overall, the findings support the assumption that psychological well-being is closely connected to the manner in which personality organizes interpersonal behavior, emotional regulation, goal pursuit, and responses to environmental demands. The results also highlight the importance of examining Dark Tetrad characteristics separately rather than treating dark personality as a single undifferentiated construct, because the relative contribution of the traits differed considerably. From a practical perspective, interventions designed to promote psychological well-being may benefit from addressing impulsivity, interpersonal mistrust, empathy deficits, excessive need for stimulation, maladaptive self-enhancement, and weak long-term behavioral regulation while simultaneously strengthening self-control, interpersonal competence, emotional regulation, and meaningful goal pursuit. In conclusion, the present study showed that Machiavellianism, sociopathy, narcissism, sadism, and sensation seeking were significant negative predictors of psychological well-being.

among women and men, with sociopathy and sensation seeking demonstrating the strongest predictive contributions.

فهرست منابع

References

- Aghli, E., Ahi, G., & Mansouri, A. (2018). The role of Dark Triad personality traits in predicting psychological well-being and humor styles among nurses. *Psychiatric Nursing*, 6(2), 41-49.
- Belwal, R., & Khanam, A. (2023). Relationship of the Dark Triad with psychological well-being and resilience. *Indian Journal of Positive Psychology*, 14(2).
- Blasco-Belled, A., Tejada-Gallardo, C., Alsinet, C., & Rogoza, R. (2024). The links of subjective and psychological well-being with the Dark Triad traits: A meta-analysis. *Journal of personality*, 92(2), 584-600.
- Cheshmeh Kaboudi, S. (2023). *Examining the role of mindfulness, communication skills and cognitive skills in predicting psychological well-being among mothers of children with special needs* [Master's thesis, Payame Noor University, Ardabil].
- De-Juanas, Á., Bernal Romero, T., & Goig, R. (2020). The relationship between psychological well-being and autonomy in young people according to age. *Frontiers in psychology*, 11, 559976.
- Ebrahimi, S. M. (2023). *The role of the Dark Tetrad personality dimensions and sensation seeking in predicting psychological well-being among bodybuilders* [Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch].
- Egan, V., Chan, S., & Shorter, G. W. (2014). The Dark Triad, happiness and subjective well-being. *Personality and individual differences*, 67, 17-22.
- Henn, C. M., Hill, C., & Jorgensen, L. I. (2016). An investigation into the factor structure of the Ryff Scales of Psychological Well-Being. *Sa Journal of Industrial Psychology*, 42(1), 1-12.
- Hides, L., Quinn, C., Stoyanov, S., Cockshaw, W., Mitchell, T., & Kavanagh, D. J. (2016). Is the mental wellbeing of young Australians best represented by a single, multidimensional or bifactor model? *Psychiatry research*, 241, 1-7.
- Jarjandi, A., Barzegari Dehaj, A., & Askarizadeh, G. (2018). *The relationship of sensation seeking and psychological well-being with propensity for risky behaviors among students* Fifth International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle, Qazvin.
- Joshanloo, M. (2021). Conceptions of happiness mediate the relationship between the dark triad and well-being. *Frontiers in psychology*, 12, 643351.
- Kebusek, L. M. (2018). *Socio-sexuality, self-reported physical formidability, and the dark triad: Predictors of gossip behavior and cognitions* University of California, Santa Barbara].
- Keshvari, M. (2020). *Examining the relationship of psychological hardiness, psychological sensation seeking and self-perception with psychological well-being among female lower and upper secondary students at Farzanegan School in Qaemshahr* [Master's thesis, Farvardin Higher Education Institute, Qaemshahr].
- Ryff, C. D. (2013). Psychological well-being revisited: Advances in the science and practice of eudaimonia. *Psychotherapy and psychosomatics*, 83(1), 10-28.
- Saadat, S., Kalantari, M., & Ghamarani, A. (2017). The relationship between dark personality traits (Machiavellianism, narcissism and sociopathy) and students' academic self-efficacy. 10(4), 255-262.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2021). *Theories of personality* (Y. Seyed Mohammadi, Trans.). Virayesh.
- Telef, B. B., & Ergün, E. (2013). Self-efficacy as a predictor of high school students' subjective well-being. *Journal of Theoretical Educational Science*, 6(3), 423-433.
- Yousefi, R., & Imanzad, A. (2018). Validation of the Dark Tetrad personality traits model. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology (Thought and Behavior)*, 24(2), 193-200.